

تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی بر بهبود کسب و کار زنان استان گلستان

ابراهیم پفاژ*

ترانه عنایتی**

محمد رضا محبوبی***

چکیده

این پژوهش در صدد است، تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی بر بهبود کسب و کار زنان استان گلستان را مورد بررسی قرار داده و تأثیر آن در حوزه‌های خدمات، کشاورزی و صنعت را بر حسب محل سکونت افراد در شهر و روستا مورد بررسی قرار دهد. پژوهش از نوع کاربردی و دارای طرح آزمایشی مقدماتی پس‌آزمون برای یک گروه است. براساس نتایج به‌دست آمده از پژوهش، مشخص شد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی ارائه‌شده از سوی اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان گلستان در سه حوزه خدمات، صنعت و کشاورزی بر بهبود شاخص‌های کسب و کار مشتمل بر ملاک‌های دانش، شایستگی و مهارت، مدیریت و بهره‌وری، نگرش، ایمنی و توجهات محیطی، ارتباطات و اقتصاد تأثیر داشته است. همچنین، آموزش‌های ارائه‌شده بر بهبود کسب و کار زنان شهری و روستایی نیز مؤثر بوده است.

واژگان کلیدی: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مشاغل خانگی، بهبود کسب و کار، زنان.

مقدمه

ارتقای سطح آگاهی شغلی زنان با توجه به نقش مؤثر آنان در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی، منجر به بهبود روشهای تولید و ارائه خدمات و محصولات و استفاده هرچه بیشتر و بهتر از امکانات می شود. در این میان، فعالیت زنان در مشاغل خانگی شرایطی را فراهم می کند تا ضمن کمک به اقتصاد خانواده، بخشی از اهداف توسعه اقتصادی کشور نیز تامین شود (دبیرخانه ستاد ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، ۱۳۹۲). آموزشهای فنی و حرفه‌ای با رشد استعدادهای، خلاقیت، نوآوری و ارتقای سطح مهارت و تخصص، این امکان را به زنان می بخشد تا نقشهای بیشتر و متنوعتری را در جامعه ایفا کند. این آموزشها با هدف ایجاد آمادگی برای انجام مشاغل و یا شروع کسب و کار از طریق فراهم آوردن مهارتهای لازم و یا ارتقای سطح توانمندیهای حرفه‌ای افراد ارائه می شود. با توجه به نوع استانداردهای مهارتی ارائه شده به زنان، سهم زیادی از این آموزشها دارای قابلیت ایجاد اشتغال خانگی برای آنان را داشته است (سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، ۱۳۹۱). در حال حاضر، آموزشها بر اساس برنامه تدوین شده و یا بر اساس اعلام نیاز و وجود متقاضی برگزار می شود. ولی بازخوردی از مؤثر بودن این آموزشها در بهبود کیفیت و شرایط انجام کار آموزش دیدگان دریافت نمی شود. ادامه این روند و ناشناخته ماندن این تأثیر می تواند منجر به اتلاف منابع و هزینه‌هایی شود که با هدف ارتقای شغلی و توانمندسازی افراد صرف شده است و از جانب دیگر در صورت مشخص شدن این تأثیر سمت و سوی برنامه ریزی و تداوم یا توسعه آموزشهای فوق و شیوه و نحوه ارائه آن در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای قابل پیش‌بینی، تعیین و تغییر خواهد بود. این پژوهش، در صدد بوده است، بررسی کند آیا آموزشهای فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی بر بهبود کسب و کار زنان استان گلستان تأثیر دارد؟

پیشینه پژوهشهای انجام شده گذشته در این زمینه نتایجی را فراهم آورده است. در پژوهشی که توسط پرین و حیدری (۱۳۹۲) تحت عنوان: «بررسی میزان کارآمدی دوره‌های ارتقای مهارت نانوایان در کرمانشاه» انجام شده است، شاخصهای عمومی محصول تولید شده مورد ارزیابی قرار گرفت. نتیجه این تحقیق مشخص کرد که آموزشهای ارتقای مهارت نانوایان توانسته است، منجر به کاهش ضایعات تولید و هدر

رفت مواد اولیه به کار گرفته شده و منجر به افزایش رضایت مشتریان شود. بهارلو سامانی (۱۳۹۲) پژوهشی تحت عنوان «اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایجاد اشتغال پایدار و تأثیر و کاربرد آن در صنایع سنگ و کارخانجات سنگبری منطقه صنعتی اسفیدواجان اصفهان» انجام داده است که طی آن، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ارائه شده در مراکز ثابت و ارتقای مهارت و تیم‌های سیار صنعتی مورد بررسی واقع شد. در این پژوهش، مشخص شد، این آموزش‌ها عاملی تأثیرگذار در جهت افزایش تولید، کاهش ضایعات و حوادث ناشی از کار و افزایش بهره‌وری و اشتغال پایدار است. در «بررسی و ارزیابی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه و تثبیت اشتغال زنان در شهرستان خرم‌بید» که توسط حق‌شناس و کازرونی (۱۳۹۲) انجام گرفت، نتایج نشان داد که بیشتر کارآموزان، اشتغال یافته دارای تحصیلات سیکل و زیر دیپلم بوده‌اند. بیشتر کارآموزان حرفه‌های زیرمجموعه حوزه خدمات را گذرانده‌اند. زنان ۵۵ درصد کارآموزان را تشکیل داده‌اند. در حوزه خدمات نیز ۴۹ درصد شاغلین زن بوده‌اند. اکبری و حسینی (۱۳۹۲) در پژوهشی مروری با عنوان: «بررسی تأثیرات آموزش مهارت‌های کسب و کار بر اشتغال زنان»، بر نقش آموزش در ارتقای مهارت‌های کسب و کار به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر ارتقای اشتغال زنان تأکید شده است. شریف‌زاده و یوسفی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان: «بررسی میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (فناوری اطلاعات)^۱ در اشتغال زنان استان مازندران» بر اساس سؤالات مطروحه مشخص کردند که حضور و شرکت در این دوره‌ها موجب افزایش مهارت و توانایی زنان شده است. همچنین، نوآوری و ابداع و علاقه به کار، ایجاد نگرش مثبت و افزایش کسب درآمد از دیگر نتایج این آموزش‌ها دانسته شده است. در پژوهش توصیفی - پیمایشی: «بررسی نگرش مهارت‌آموختگان زن حرفه‌های کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی، مطالعه موردی مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خوه‌ران رشت» قربانی واقعی و صفرپور بهدانی (۱۳۹۲) مشخص کردند که ۷ عامل در بهبود آینده شغلی مهارت‌آموختگان، بیشترین نقش را ایفا می‌کنند که توانمندی‌های تخصصی کسب شده از سوی مهارت‌آموخته بیشترین تأثیر را داشته است. حسینی و همکاران (۱۳۹۲) با انجام پژوهشی: «تأثیر کارگاه‌های آموزشی در روستاها بر توسعه اشتغال زنان روستایی: نمونه موردی شهرستان رشت»، را بررسی کردند که تفاوت معنی‌داری بین

1. Information Technology (IT)

مهارت قبل و پس از تشکیل کارگاه‌های آموزشی در پاسخ‌گویان وجود داشت. همچنین تفاوت معنی‌دار بین تغییر دانش زنان روستایی در سطوح گوناگون تحصیلی به دست آمد. در نهایت، برگزاری این کارگاه‌ها بر توسعه اشتغال زنان مؤثر شناخته شد. زارع و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود تحت عنوان: «بررسی وضعیت اجرای طرح مشاغل خانگی در اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان اصفهان»، به این نتیجه رسیدند که اجرای این طرح منجر به شناسایی و توسعه ظرفیت‌های کسب و کار خانگی، توسعه فرصت‌های شغلی، کاهش هزینه‌های تولید و خدمات، حضور فعال و مستمر در بازار رقابتی، افزایش بهره‌وری سرمایه و ارتقای مدیریت کسب و کار می‌شود. پژوهش دیگری توسط علوی‌نیا و همکاران (۱۳۹۲) تحت عنوان: «ارزیابی تأثیر دوره‌های کوتاه‌مدت فنی و حرفه‌ای بر توسعه اشتغال‌زایی زنان: مطالعه موردی مرکز فنی و حرفه‌ای شهرستان کرمانشاه واحد خواهران» انجام شد. نتایج حاصل از این تحقیق، حاکی از این بود که ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کوتاه‌مدت به زنان، منجر به افزایش توانایی انجام کار، افزایش دانش، مهارت و قدرت درک افراد و انجام مطلوب‌تر کار در محدوده انجام وظایف شغلی شده است. در تحقیق توصیفی - کاربردی دیگری که توسط نصری و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان: «تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندسازی مهارتی زنان: مطالعه موردی کارآموزان مرکز شماره ۷ [آموزش فنی و حرفه‌ای] خواهران ایلام» انجام شد، بر اساس نتایج حاصل بیان شد که دوره‌های آموزشی در تمامی نشان‌گرهای توانمندی در حد متوسطی نقش داشتند. تحلیل عاملی نیز، ۳ عامل: اثرات روانی، اثرات شغلی و مهارتی، شایستگی و خودباوری با واریانس ۶۳/۷۴ معرفی کرد. براساس نتایج رگرسیون گام به گام نیز ۶ متغیر افزایش توانایی ایجاد تغییر در جهت مطلوب، افزایش دانش و آگاهی، افزایش توان انجام کار با تدبیر و روش‌های بهتر، افزایش انگیزه، افزایش توان علمی مطلوب، افزایش قدرت اتکا به خود توانستند ۹۴/۲ درصد تغییرات توانمندی مهارتی کارآموزان را تبیین کنند. در پژوهش کاربردی که توسط آگهی و همکاران (۱۳۹۱) تحت عنوان: «اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی» با هدف بررسی متغیرهای مؤثر بر توسعه مشاغل خانگی از دیدگاه زنان روستایی و کارشناسان در شهرستان اسلام آباد غرب، با روش توصیفی - پیمایشی در سال ۱۳۹۰ انجام شد، نتایج نشان داد که مهم‌ترین متغیرهایی که باعث توسعه مشاغل خانگی می‌شود، از دید زنان، داشتن مهارت، تخصص و تجربه،

انگیزه کسب استقلال بیشتر، معرفی و دیدار با الگوها و افراد موفق است؛ اما مهم‌ترین این متغیرها از دید کارشناسان، برگزاری کلاس‌های آموزشی، برطرف کردن نیاز مالی زنان، ایجاد بازار محلی برای فروش محصولات بود. همچنین، نتایج نشان داد، بین سطح تحصیلات و عضویت در تشکلهای با ایجاد و توسعه شغل خانگی توسط زنان رابطه معناداری وجود دارد. ربیعی و همکاران (۱۳۸۵) در تحقیقی تحت عنوان: «ارزشیابی عملکرد دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیر رسمی از دیدگاه کارآموزان و کارفرمایان استان چهارمحال و بختیاری» به ارزشیابی برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای از دیدگاه کارآموزان که در طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ مهارت آموخته‌اند و کارفرمایان آنها پرداخته است. در نتایج حاصل از این تحقیق، بر ارتباط و برخورد خوب مربیان دوره‌ها با کارآموزان و امکان استفاده از تجهیزات و امکانات توسط آنها، انتقال تجارب مربیان به شکل منظم، رضایت از شیوه ارائه آموزش‌ها، رعایت بهداشت محیط کار، رعایت اصول ایمنی در محیط کار، کسب مهارت‌های تئوری و دانش نظری حرفه‌ها، به عنوان نقاط قوت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تأکید شد.

طی پژوهش پیمایشی انجام‌شده از سوی بلوم^۱ و لافلر^۲ (۱۹۹۹) با عنوان: «تبدیل مهارت به سود: مزایای اقتصادی برنامه‌های آموزش در محل کار» برای دفتر فنی و حرفه‌ای و آموزش بزرگسالان وزارت آموزش و پرورش ایالات متحده^۳، نتایج به دست آمده در زمینه تأثیر اجرای برنامه‌های آموزشی ضمن کار بر بهبود شاخص‌های شغلی افراد، عبارت بودند از: دستیابی به منافع اقتصادی از طریق مهارت، بهبود کیفیت کار، عملکرد تیمی بهتر، بهبود ظرفیت برای کنار آمدن با تغییر در محیط کار، بهبود ظرفیت برای استفاده از فناوری جدید، افزایش تولید محصولات و خدمات، کاهش زمان انجام کار، کاهش نرخ خطا، سلامت بهتر و ایمنی شغلی، کاهش ضایعات در تولید کالا و خدمات، افزایش حفظ و نگهداشت مشتری، افزایش نگهداشت کارکنان، بهبود روابط کاری مدیریت با کارکنان. باروا^۴ (۲۰۰۳) در پژوهش خود تحت عنوان: «تأثیر اجرای طرح آموزش شروع کسب و کار شما^۵ در زنان کارآفرین ویتنام» در یک تحقیق

1. Bloom

2. Laffleur

3. The Office of Vocational and Adult Education, U.S. Department of Education.

4. Barwa

5. Start and Improve Your Business(SYB)

پیمایشی انجام شده به بررسی تأثیر اجرای این طرح توسط سازمان بین‌المللی کار^۱ بر روی زنان کارآفرین در محیط روستایی استان‌های ویتنام که در دوره سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ آموزش دیده‌اند، پرداخته است. پژوهش نشان داد، زنانی که در آموزش این طرح شرکت کردند، گزارش‌هایی مبنی افزایش در فروش، درآمد و کسب پول اضافی برای مخارج خصوصی ارائه داده‌اند. آموزش به زنان فرصت شبکه‌سازی با زنان دیگر و افزایش اعتماد به نفس خود را داده است. پژوهشی با عنوان: «زنان و تعادل کار و زندگی؛ آیا راه‌حل آن مشاغل خانگی است؟» توسط واکر^۲ و همکاران (۲۰۰۸) در استرالیا انجام شد. از نتایج این پژوهش، کشف خود اشتغالی از طریق مالکیت کسب و کارهای خانگی بر مبنای یک راه‌حل بالقوه برای تعارض نقش داخلی تجربه شده با تلاش زنان برای توازن نقش‌های کاری و خانوادگی بود. خوداشتغالی به ویژه از طریق مالکیت کسب و کارهای خانگی، ممکن است به خوبی برخی از نیازمندی‌های زنان به توازن کار و خانواده را حل کند. اگر چه ممکن است یک راه حل عملی برای همه زنان نباشد؛ به ویژه آنهایی که به دنبال سودهای مالی و حرفه‌ای بیشتر هستند. پژوهش دیگری توسط هارتل^۳ (۲۰۰۹) تحت عنوان: «آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای^۴ و توسعه مهارت‌ها برای کاهش فقر - آیا به نفع زنان روستایی است؟» به سفارش صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی^۵ در ایتالیا انجام گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داد که توسعه نیافتن آموزش‌ها در مناطق روستایی و میزان برخورداری روستاییان به ویژه زنان از آموزش‌های مهارتی یکی از مشکلات اشتغال جوامع روستایی است و ارتباط مستقیم بین کاهش فقر و آموزش مهارت‌ها و افزایش رشد، بهره‌وری و نوآوری وجود دارد. کالت^۶ و گیل^۷ (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان: «آموزش برای توسعه روستایی: مهارت‌های کشاورزی و سازمانی برای زنان دارای کسب و کار کوچک» برای مرکز توسعه مهارت شهر و اصناف^۸، شهر لندن در انگلستان، به بررسی چالش‌های زنان دارای کسب و کار کوچک و طراحی سیستماتیک فرصت‌های آموزشی برای رفع نیازهای آنها پرداخته

-
1. International Labour Organization (ILO)
 2. Walker
 3. Harl
 4. Technical and Vocational Education and Training (TVET)
 5. International Fund for Agricultural Development (IFAD)
 6. Collett
 7. Gale
 8. City & Guilds Centre for Skills Development

است. نتایج، حاکی از اهمیت مهارت‌های سرمایه‌گذاری در زمینه‌های روستایی، تسهیل دسترسی به آموزش و حصول اطمینان از آموزش مطابق با نیازهای زنان، استفاده از گروه‌های خودیاری برای حمایت از آموزش، توسعه تکنولوژی مناسب و نیز روش‌های کاهش اثرات ریسک شغلی زنان در مناطق روستایی داشت. در مقاله ارائه شده توسط خیر^۱ (۲۰۱۰) با عنوان: «آموزش غیررسمی فنی و حرفه‌ای و توسعه ملی: با مشارکت دانشگاه آزاد ملی ایندیرا گاندی^۲ در شمال شرق هند»، نتایج یک پروژه آموزشی تحقیقاتی، ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به افراد محروم و کارگران بخش غیر رسمی در شمال شرق هند توسط دانشگاه آزاد ملی ایندیرا گاندی در سال ۲۰۰۸ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این آموزش‌ها، با انجام آزمون، دانش پایه افراد نمونه قبل از آموزش (پیش‌آزمون) و پس از اتمام آموزش (پس‌آزمون) مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه نشان داد آموزش به‌طور قابل توجه در بهبود دانش و مهارت افراد مؤثر بوده است. «شناخت و اندازه‌گیری توانمندسازی اقتصادی زنان» نام پژوهش دیگری است که توسط گولا^۳ و همکاران (۲۰۱۱) در مرکز بین‌المللی تحقیقات بر روی زنان^۴ انجام داده‌اند. در این پژوهش، تبیین شد که به رسمیت شناختن فعالیت اقتصادی زنان در جهت تحقق حقوق آنان و رسیدن به اهداف توسعه‌ای گسترده‌تر از جمله رشد اقتصادی، کاهش فقر، بهداشت، آموزش و رفاه طیف گسترده‌ای از سازمان‌ها را در بر گرفته است. این سازمان‌ها متوجه شده‌اند که از لحاظ اقتصادی توانمندسازی زنان نوعی برد - برد است که می‌تواند نه تنها به نفع زنان، بلکه به طور گسترده‌تر به نفع جامعه و رسیدن به توانایی‌های بالقوه و پیشبرد حقوق آنان، کاهش فقر، کاهش تبعیض، توسعه مهارت‌ها و نیز افزایش قدرت اقتصادی خانواده باشد. در پژوهش انجام شده تحت عنوان: «توانمندسازی اقتصادی زنان» توسط سازمان خدمات اجرایی کانادا^۵ (۲۰۱۲) با کمک مالی آژانس توسعه بین‌المللی کانادا^۶ در برخی از کشورهای توسعه‌نیافته نظیر سنگال و اوگاندا و بورکینافاسو و فیلیپین در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲، اشاره شد که توانمندسازی اقتصادی زنان نه تنها با فراهم کردن منابع بلکه با ایجاد

1. Khare

2. Indira Gandhi National Open University(IGNOU)

3. Golla

4. International Center for Research on Women(ICRW)

5. Canadian Executive Service Organization(CESO)

6. Canadian International Development Agency(CIDA)

فرصت دسترسی به منابع و راه‌هایی که منجر به موفقیت اقتصادی است، امکان‌پذیر می‌شود. زنان از طریق کسب شغل بهتر و داشتن انتخاب‌های بیشتر برای شروع و مدیریت کسب و کار، دسترسی بیشتر به آموزش و پرورش و توسعه مهارت‌های خود و داشتن فرصت‌های بیشتر برای شرکت در تصمیم‌گیری‌ها، می‌توانند خود را از فقر بیرون بکشند و کیفیت زندگی خود و خانواده‌ها و جامعه را بهبود بخشند.

روش پژوهش

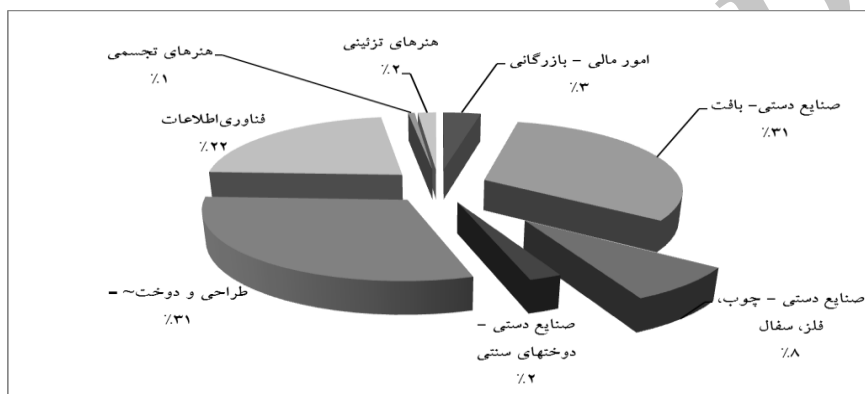
سؤال اصلی پژوهش، عبارت بود از اینکه: آیا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی بر بهبود کسب و کار زنان استان گلستان تأثیر دارد؟ تأثیر این آموزش در حوزه‌های خدمات، صنعت، کشاورزی و نیز برای زنان شهری و روستایی سؤالات ویژه پژوهش بودند. هدف از آموزش، ایجاد تغییر در سطح دانش، شایستگی و مهارت، مدیریت و بهره‌وری، نگرش، ایمنی و توجهات محیطی افراد در جهت بهبود کسب و کار آنان در نظر گرفته شد. از این آموزش‌ها، همچنین، ارتقای سطح ارتباطات افراد با مخاطبین شغلی و نیز بهبود شاخص‌های فعالیت اقتصادی آنان مورد انتظار است. پژوهش از نوع کاربردی و دارای طرح آزمایشی مقدماتی پس‌آزمون برای یک گروه بود. جامعه مورد مطالعه، کلیه زنان شاغل در مشاغل خانگی استان گلستان بود که حداقل یکی از دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی را در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای استان گلستان گذرانده باشند. تعداد این افراد در مجموع ۲۲۳۷ نفر برآورد شده است. تعداد نمونه با روش تصادفی طبقه‌ای با رعایت انتساب متناسب بر اساس جدول کرجسی و مورگان و با اعمال ضریب افزایشی معادل ۲۵ درصد به دلیل تخمین و برآورد حاصل از اعمال ضرایب اشتغال زنان استان در رهگیری‌های به عمل آمده در تعداد زنان آموزش‌دیده مشاغل خانگی و شناخته شده نبودن فضای ایجاد شغل و اشتغال به کار زنان در استان ۴۰۹ نفر تعیین شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، آمار و ارقام موجود در جداول و نیز دو پرسش‌نامه محقق‌ساخته یکی برای اخذ نظر از خبرگان بر اساس روش بارش فکری و دلفی برای تعیین و پیش‌بینی شاخص‌های تأثیرگذار بر متغیر وابسته، دسته‌بندی و اولویت‌بندی این شاخص‌ها و دیگری برای گردآوری داده‌های مورد نیاز برای سنجش تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته و شاخص‌های پیش‌بینی شده و توصیف ویژگی‌های نمونه بود. روایی

صوری و محتوایی پرسش‌نامه از سوی گروهی از متخصصان و خبرگان در رشته‌های مختلف شامل علوم اجتماعی، علوم تربیتی، پژوهش و برنامه‌ریزی، اقتصاد و کشاورزی، مالی و بازرگانی، اشتغال و جمعیت و زنان و جامعه و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بررسی و پس از اعمال نظرات اصلاحی تأیید شد. پایایی ابزار اندازه‌گیری از روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ معادل $0/948$ به دست آمد. در تقسیم نمونه‌ها به حوزه‌های مختلف خدمات، صنعت و کشاورزی و شهری و روستایی نیز به‌طور جداگانه آلفای کرونباخ محاسبه شد که به ترتیب معادل $0/932$ و $0/968$ و $0/956$ و $0/956$ و $0/933$ بود. روش تجزیه و تحلیل آمار توصیفی، طبقه‌بندی داده‌ها و رسم جداول و نمودارها بود و برای تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌های آماری از آزمون t تک نمونه‌ای برای میانگین جمع کل تمام شاخص‌ها و میانگین جمع شاخص‌های هر گروه ملاک در کل نمونه و حوزه‌های خدمات، صنعت، کشاورزی، شهری و روستایی برای تحلیل و مقایسه میانگین‌ها استفاده شد.

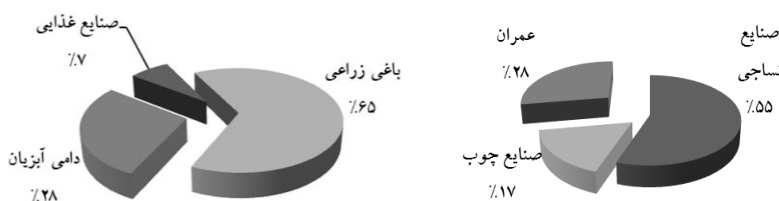
یافته‌ها

مشخصات فردی و شغلی افراد مشتمل بر ۱۳ پرسش در زمینه موضوعات: سن، گروه سنی، وضعیت تأهل، تحصیلات، محل سکونت یا کسب و کار، شیوه انجام کار، نام حرفه یا رشته آموزشی، نام شغل، حوزه آموزشی، گروه آموزشی، بخش آموزشی، وجود اشتغال قبلی و در نهایت شهرستان محل کسب و کار به صورت چندگزینه‌ای پیش ساخته، دو مقوله‌ای و درج عبارت و یا عدد پاسخ داده و جمع‌آوری شد. بر این اساس، بیشترین گروه سنی نمونه به تفکیک حوزه‌های آموزشی مربوط به گروه سنی زنان با سن بین ۲۱ تا ۲۵ سال و در مجموع کل نمونه‌ها بیشترین فراوانی مربوط به افراد دارای مدرک تحصیلی دیپلم معادل $36/5$ درصد کل افراد نمونه و در حوزه‌های خدمات و کشاورزی نیز افراد دارای مدرک تحصیلی دیپلم با درصد $34/3$ و $44/6$ و در حوزه صنعت افراد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی با درصد $48/9$ بوده‌اند. تعداد متأهلین در میان نمونه‌های حوزه خدمات و کشاورزی بیشتر از مجردین و در حوزه صنعت، مجردها بیشتر از متأهل‌ها بوده است. در مجموع، کل نمونه‌ها متأهلین $57/6$ درصد کل افراد را تشکیل می‌دهند. در حوزه خدمات بیشتر افراد در شهر سکونت داشته‌اند. در حوزه صنعت، وضعیت به‌گونه‌ای است که تقریباً نزدیک به تمام افراد در

شهر ساکن بوده‌اند. ولی در حوزه کشاورزی سکونت در روستاها بیشتر دیده شده است. شیوه انجام کار در هر سه حوزه و در مجموع، کل نمونه‌ها بیشتر به صورت فردی بوده است. نتایج نشان می‌دهد که در تمام حوزه‌ها بیشتر افراد قبل از آموزش بیکار و درصد کمتری دارای شغل قبلی بودند. درصد توزیع نمونه بر حسب گروه‌های درسی در حوزه‌های خدمات، صنعت و کشاورزی در نمودارهای ۱ و ۲ نشان داده شده است.



نمودار (۱) درصد توزیع نمونه برحسب گروه‌های درسی در حوزه آموزشی خدمات



نمودار (۲) توزیع نمونه برحسب گروه‌های درسی حوزه صنعت و کشاورزی

مجموعه اطلاعات حاصل از سه مرجع کتابخانه‌ای و سرفصل‌ها و خبرگان حاضر در جلسات و خبرگانی که با آنها مکاتبه شده بود، با استفاده از تکنیک دلفی در زمینه عوامل مؤثر بر بهبود کسب و کار، جمع‌بندی و خلاصه شد و موارد مشابه و تکراری و قابل ادغام تخلیص شده و شاخص‌های موجود در قالب ۴۳ شاخص در ۷ گروه تحت

تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای
عنوان ۷ ملاک دانش، شایستگی و مهارت، مدیریت و بهره‌وری، نگرش، ایمنی و توجهات محیطی، ارتباطات و بالاخره اقتصاد طبقه‌بندی شد که محتوای پرسش‌ها بر اساس این شاخص‌ها تدوین شد. جدول (۱) این ملاک‌ها و شاخص‌ها را نشان می‌دهد:

جدول (۱) ملاک‌ها و شاخص‌های مؤثر بودن آموزش‌ها بر بهبود کسب و کار

ملاک	شاخص	ملاک	شاخص
توانایی رقابتی	احساس مفید بودن برای خانواده	توانایی رقابتی	آگاهی از قوانین و مقررات عمومی شغل
	ایجاد انگیزه و امید به ادامه فعالیت		آگاهی و شناخت شرایط کار (حجم بستگی، کار، سختی و پیچیدگی کار، مدت زمان انجام کار)
	ایجاد حس اعتماد به نفس		آگاهی به شرایط کار ویژه زنان
	ایجاد استقلال عمل		آشنایی با اصطلاحات و عبارات تخصصی در شغل و مفاهیم آن
	توانایی ایده برزایی و ایجاد خلاقیت		آشنایی با علائم اختصاری، هشدارها و دستورالعمل‌ها
توانایی مدیریت	افزایش توزیع عدالت اجتماعی زنان	توانایی مدیریت	شناخت روش‌ها و نحوه صحیح انجام کار
	ایجاد فضای رقابتی و افزایش فرصت‌های کسب و کار زنان نسبت به مردان		شناسایی مواد اولیه و منابع و مصرفی مورد نیاز و نحوه تامین آن
	جلب مشتری و مشتری‌مداری و تلاش در جهت جلب رضایت و برخورد مناسب با مشتریان		شناخت و تامین تجهیزات و ابزار مناسب کار
	درک اهمیت زنان و خانواده		آشنایی با فناوری‌های مورد نیاز
توانایی تولید	شناخت و رعایت اصول بهداشت فردی و اجتماعی	توانایی تولید	کنترل کیفیت محصولات و خدمات ارائه شده
	آشنایی با نحوه صحیح آبراش و نگهداری مواد اولیه و محصول		آشنایی با نحوه توزین و محاسبه حجم و اندازه مواد اولیه و محصول
	آشنایی با ارگونومی و و نحوه صحیح استقرار اعضای بدن و کارکرد آن حین کار		شناخت معایب کار و فرآیند، تجهیزات و ابزار و دلایل آن، عیب‌یابی و تعمیرات
	شناخت لباس و پوشش مناسب (ماسک، کلاه، عینک، کفش و روپوش)		شناخت ویژگی‌های محل انجام کار و نحوه استقرار تجهیزات و چیدمان لوازم
	آشنایی با کمک‌های اولیه		افزایش اثربخشی (انجام درست کار) در تولید خدمات و محصول شناخت عوامل منجر به آن
توانایی بازاریابی	روابط عمومی مناسب	توانایی بازاریابی	افزایش کارایی (انجام کار درست) در تولید خدمات و محصول شناخت عوامل منجر به آن
	آشنایی با نحوه ایجاد ارتباط با بازار مصرف، بازارهای واسطه خرید محصول و مواد اولیه		صرفه جویی و جلوگیری از اتلاف مواد و منابع و ایجاد ضایعات
توانایی اقتصادی	افزایش درآمد	توانایی اقتصادی	استفاده از الگوهای مهارتی
	آشنایی با نحوه محاسبه درآمد - هزینه		توانایی جلب مشارکت سایر اعضای خانواده
	کاهش قیمت تمام شده خدمات یا محصول		توانایی مشاوره و اخذ راهنمایی از مربیان، متخصصین و سایر کارآموزان
	آشنایی با نحوه محاسبه سود و زیان		توانایی تقسیم کار و دسته‌بندی فعالیت‌ها
	افزایش میزان فروش خدمات و محصول		توانایی خودارزایی
	توانایی ایجاد قابلیت رقابت پذیری و کسب مزیت‌های رقابتی		

در توصیف ملاک‌ها و شاخص‌های بهبود کسب و کار برای تحلیل میانگین‌ها از آزمون t تک نمونه‌ای برای میانگین جمع کل تمام شاخص‌ها و میانگین جمع شاخص‌های هر گروه ملاک در کل نمونه و حوزه‌های خدمات، صنعت و کشاورزی و

شهری و روستایی استفاده شد. بر این اساس، مطابق جدول (۲)، مشخص شد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر بهبود کسب و کار زنان تأثیرگذار بوده است.

جدول (۲) تحلیل سؤال اصلی؛ تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر بهبود کسب و کار

ابعاد	میانگین	t	درجه آزادی (df)	سطح معنی داری ($\alpha=0.05$)	اختلاف میانگین	بازه ضریب اطمینان ۹۵٪	
						کمترین	بیشترین
دانش	۴.۲۳۰	۴۲.۱۵۴	۲۳۵	...	۱.۲۳۰	۱.۱۷	۱.۲۹
مهارت	۴.۱۹۶	۴۰.۷۹۵	۲۳۵	...	۱.۱۹۶	۱.۱۴	۱.۲۵
مدیریت	۴.۰۷۷	۳۳.۹۶۹	۳۳۶	...	۱.۰۷۷	۱.۰۱	۱.۱۴
نگرش	۴.۱۸۸	۴۲.۱۵۷	۳۲۶	...	۱.۱۸۸	۱.۱۳	۱.۲۴
ایمنی	۴.۰۷۴	۳۰.۴۳۵	۳۳۶	...	۱.۰۷۴	۱.۰۰	۱.۱۴
ارتباطات	۴.۰۱۰	۲۴.۰۲۰	۲۳۸	...	۱.۰۱۰	۰.۹۳	۱.۰۹
اقتصاد	۳.۹۱۸	۲۵.۰۹۲	۳۳۷	...	۰.۹۱۸	۰.۸۵	۰.۹۹
جمع کل	۴.۱۱۹	۴۰.۹۳۷	۳۰۳	...	۱.۱۱۹	۱.۰۷	۱.۱۷

به همین صورت، در حوزه‌های خدمات، صنعت، کشاورزی و شهری و روستایی میانگین‌های به‌دست آمده به ترتیب حوزه‌ها برابر (۴/۰۷۸)، (۴/۱۶۷)، (۴/۱۵۸)، (۴/۱۱۸) و (۴/۱۴۹) بزرگ‌تر از میانگین نظری (۳) و در کلیه حوزه‌ها t به‌دست آمده شامل مقادیر (۳۰/۵۹۸)، (۱۴/۸۵۹)، (۲۳/۳۴۷)، (۲۹/۱۶۹) و (۲۸/۷۴۴) از مقدار t جدول بحرانی بزرگ‌تر بود؛ نتیجه اخذ شده حاکی از آن بود که آموزش‌های مشاغل خانگی در این حوزه‌ها بر بهبود کسب و کار زنان استان گلستان تأثیرگذار بوده است.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش، مشخص شد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای حوزه خدمات بر بهبود کسب و کار زنان تأثیرگذار بوده است. شریف‌زاده و یوسفی (۱۳۹۲)، در بررسی تأثیر آموزش‌های فناوری اطلاعات در اشتغال زنان نتایج مشابه پژوهش حاضر را به‌دست آوردند. ضمن اینکه از جمله نتایج اعلام‌شده توسط این تحقیق نوآوری و ابداع بود که تکمیل‌کننده نتایج تحقیق فعلی است. مشخص شد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای حوزه صنعت بر بهبود کسب و کار زنان تأثیرگذار بوده است. تحقیق بهارلو سامانی (۱۳۹۲) در حوزه صنعت معطوف به فعالیت صنعتی و فنی در واحدهای صنعتی بوده

است. از این لحاظ، نتایج حاصله بر اساس شاخص‌های تأثیرگذار در چنین محیط‌هایی سنجیده شده است. نتایج حاصل از هر دو پژوهش تأییدکننده یکدیگر و مکمل هم خواهند بود. مشخص شد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای حوزه کشاورزی بر بهبود کسب و کار زنان تأثیرگذار بوده است. مشابه پژوهش حاضر، تحقیق انجام‌شده توسط قربانی واقعی و صفرپور بهدانی (۱۳۹۲)، عوامل تأثیرگذار بر بهبود آینده شغلی زنان در حوزه کشاورزی ۷ مورد شناسایی شد. هرچند که این شاخص‌ها در دو تحقیق مطابقت کامل با یکدیگر نداشته و دارای اولویت‌های متفاوتی هستند، ولی در مجموع، دارای مفاهیم یکسان هستند و یکدیگر را تأیید می‌کنند. در پژوهش فعلی با نگاهی به آموزش‌دیدگان در گروه‌های مختلف درسی در حوزه کشاورزی ملاحظه شد که تعداد نمونه‌ها در گروه صنایع غذایی به نسبت سایر گروه‌های حوزه کشاورزی کمتر است. این کم بودن تعداد از قابلیت تعمیم‌پذیری نتایج و میزان صحت و دقت نتایج می‌کاهد. وجود پژوهش با نتایج مشابه می‌توانست تأییدکننده نتایج حاصل باشد که این موضوع به واسطه تحقیق انجام‌شده توسط پرین و حیدری که نتایج مشابه با پژوهش فعلی در شاخص‌های اثرگذار بر ارتقای مهارت شاغلین به دست آورده است، مورد تأیید و تکمیل قرار گرفت. مشخص شد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر بهبود کسب و کار زنان شهری تأثیرگذار بوده است. در بررسی پیشینه تحقیقات انجام‌شده در زمینه بهبود کسب و کار موردی که انحصاراً در زمینه عوامل مؤثر بر بهبود کسب و کار افراد در حوزه شهری پرداخته باشند، یافت نشد. ولی در موارد عمومی مطالعه‌شده بدون درج موقعیت شهر و یا روستا برای آموزش‌دیدگان و حتی با لحاظ پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه‌های روستایی نتایج حاصل‌شده مشابه نتایج حاصل در پژوهش فعلی است. بنابراین، قابلیت استناد و تأیید و تکمیل یکدیگر را دارا هستند. بر اساس یافته‌ها مشخص شد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر بهبود کسب و کار زنان روستایی تأثیرگذار بوده است. پژوهش حسینی و همکاران (۱۳۹۲)، ضمن کسب نتایج مشابه تحقیق فعلی دارای نقطه قوت به‌کارگیری روش پیش‌آزمون و پس‌آزمون در بررسی تغییرات حاصل از آموزش بوده است. هارتل (۲۰۰۹) در پژوهش خود در زمینه توسعه مهارت‌ها برای کاهش فقر به اختلافات جنسیتی و عوامل تأثیرگذار ناشی از آن بر استقبال از دوره‌های آموزشی ارتقای مهارت افراد و میزان برخورداری از آموزش‌ها اشاره کرد. بنابراین، از آنجا که بررسی این موضوع از اهداف پژوهش حاضر نبود، می‌توان از این نتایج در کنار عوامل تأثیرگذار شناخته‌شده توسط پژوهش حاضر در تعمیم نتایج به سایر جامعه‌های آماری استفاده کرد. استفاده از گروه‌های خودیاری برای حمایت از آموزش و روش‌های کاهش اثرات ریسک شغلی ناشی از عضویت زنان در گروه‌های شغلی و مشاغل

گروهی در حوزه روستایی از جمله نتایجی است که کالت و گیل (۲۰۰۹) در پژوهش خود کسب کردند. موضوعی که در شاخص‌های شناخته‌شده بهبود کسب و کار در محدوده پژوهش فعلی مورد بررسی قرار نگرفت. بنابراین، نتایج آن پژوهش می‌تواند تکمیل‌کننده تحقیق فعلی باشد. مشابه با موضوع کارگروهی در تحقیق انجام‌شده توسط کالت و گیل (۲۰۰۹)، پژوهش انجام‌شده توسط باروا (۲۰۰۳) نیز دیده شد و آن اهمیت شبکه‌سازی و افزایش اعتماد به نفس ناشی از آن است. نکته قابل توجه در پژوهش فعلی این است که ضمن اینکه این موضوع در اهداف پژوهش فعلی لحاظ نشده است، با بررسی نتایج حاصل از آمار توصیفی شیوه انجام کار در بین افراد نمونه مشاهده می‌شود که بیشتر افراد تمایل به انجام کار به صورت فردی دارند. به عبارتی، انجام کار گروهی نهادینه نشده و اهمیت آن ناشناخته مانده است که بدین صورت، اهمیت انجام پژوهش در زمینه ریشه‌یابی این موضوع و ایجاد تمایل در انجام کار مشارکتی بیش از پیش به چشم می‌خورد.

به عنوان نتیجه‌گیری نهایی، می‌توان بیان کرد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشاغل خانگی ارائه‌شده به زنان توسط اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان گلستان بر بهبود کسب و کار آنها در هر سه حوزه آموزشی: خدمات، صنعت و کشاورزی و نیز در هر دو دسته زنان شهری و روستایی تأثیرگذار بوده و منجر به تغییر سطح دانش و آگاهی‌های شغلی آنها، تغییر در سطح شایستگی و مهارت حرفه‌ای، تغییر نگرش آنان به کار و شغل خانگی و جایگاه خود و خانواده و شغل‌شان در جامعه گشته است. همچنین قدرت اداره شغل و سطح بهره‌وری شغلی آنها را تحت تأثیر قرارداده و در ارتباطات افراد با مخاطبین شغلی و نیز ویژگی‌های کیفیت زندگی اقتصادی ناشی از کسب و کارشان مؤثر بوده است.

نتایج به‌دست‌آمده توسط سایر پژوهشگران نیز می‌تواند در تعمیم نتایج به سایر جوامع مؤثر واقع شود. ربیعی و همکاران (۱۳۸۵) در ارزیابی عملکرد دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای کارآموزان و همچنین بلوم و لافلر (۱۹۹۹) در تحقیق خود علاوه بر استفاده مستقیم از خود افراد نمونه مورد بررسی با ابزار پرسش‌نامه، از نظرهای کارفرمایان نیز بهره‌برداری کردند. اینکه ارزیابی بر موضوعی از نگاه ناظر سوم مطلع از موضوع صورت گرفته، وجه تمایز این پژوهش‌ها نسبت به بقیه بوده است که البته می‌تواند الگویی در بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال زنان در حوزه‌های غیر خود اشتغالی و مشاغل خانگی باشد. اکبری و حسینی (۱۳۹۲) نقش آموزش را در ارتقای مهارت‌های کسب و کار به عنوان یک عامل تأثیرگذار شناخته‌اند. پژوهش حاضر، نتایج این تحقیق

را تأیید می‌کند. وجه مشترک این دو پژوهش بررسی تأثیرگذاری آموزش بر بهبود کسب و کار زنان است و وجه تمایز آن این است که پژوهش فعلی این تأثیر را محدود به مشاغل خانگی زنان کرد و پژوهش انجام‌شده قبلی اشتغال زنان را به‌طور عمومی مورد بررسی قرار داد. در پژوهش انجام‌شده از سوی نصری و همکاران (۱۳۹۲) از روش تحلیل عاملی برای دسته‌بندی و خلاصه کردن شاخص‌های اثرگذار بر توانمندسازی بانوان استفاده شد. از آنجا که روش تحلیل عاملی در بررسی شاخص‌های دارای تعدد و گستردگی، دارای مزیت‌های منحصر به فرد خود است؛ به‌کارگیری این روش نقطه قوتی برای آن خواهد بود. بلوم و لافلر (۱۹۹۹)، در نتایج خود به بهبود ظرفیت برای کنار آمدن با تغییر در محیط کار اشاره کردند که در پژوهش حاضر در حوزه مشاغل خانگی مورد بررسی قرار نگرفت. مشابه پژوهش حاضر واکر و همکاران (۲۰۰۸)، نیز به این نتیجه رسیده بودند که اشتغال زنان در مشاغل خانگی ابزار آزادی بخشی برای آنان خواهد بود که موجب ارتقای موقعیت اجتماعی آنان خواهد شد. پژوهش حاضر نیز بهبود وضعیت اجتماعی زنان و آشنایی با حقوق آنان را که ناشی از ارائه آموزش به زنان است، مورد تأیید قرار داده است. تحقیق حاضر دارای طرح آزمایشی پس‌آزمون با یک گروه نمونه بود. در پژوهش انجام‌شده توسط خیر (۲۰۱۰) روش اجرای طرح، انجام پیش‌آزمون قبل از آموزش و پس‌آزمون پس از آموزش بود. با توجه به اینکه با استفاده از این روش سطح توانمندی افراد و تأثیر عوامل از قبل اندازه‌گیری شده و پس از آموزش مجدداً سنجیده و مقایسه می‌شود، نتایج دقیق‌تر و با جزئیات بیشتر به دست می‌آید. از این نظر، این تحقیق دارای نقطه قوت نسبت به پژوهش حاضر بوده است. موضوعی که در پژوهش حاضر مستقیماً مورد بررسی قرار نگرفته ولی به عنوان نتایج ارائه آموزش‌های مهارتی به زنان دارای اهمیت قابل توجهی است، نتایج تحقیق گولا و همکاران (۲۰۱۱) است که اشاره کرد یکی از نتایج مستقیم قابل بهره‌برداری ارائه آموزش‌ها نوعی ساختار برد - برد برای فرد و جامعه است. آنچه مسلم است بهبود کسب و کار نقطه آغازی بر بهبود زندگی کاری زنان و در نتیجه، بهبود معیشت و سطح برخورداری آنان از منابع و فرصت‌های در اختیار آنها خواهد بود. کاهش فقر، افزایش درآمد، کمک به اقتصاد خانواده، همراهی و همیاری با سایر اعضای خانواده، بهبود جایگاه زنان در خانواده، جامعه و محیط‌های شغلی، افزایش قدرت تصمیم‌گیری و استقلال عمل و در نهایت، افزایش انگیزه و امید به زندگی ارمغانی است که به واسطه بهبود کسب و کار فراهم خواهد شد. اینکه ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زمینه‌ساز این ارتقا و بهبود بوده است، بر اهمیت آن افزوده و از طرفی، بر لزوم بهبود کیفیت و کمیت این آموزش‌ها تأکید می‌کند.

منابع

- آگهی، ح؛ میرکزاده، ع و تقی بیگی، م (۱۳۹۱). اولویت بندی عوامل مؤثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی. فصل نامه علمی پژوهشی زن و جامعه. سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱.
- اکبری، الف و حسینی، س (۱۳۹۲). بررسی تأثیرات آموزش مهارت های کسب و کار بر اشتغال زنان. نخستین همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال، سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور. خرداد ۱۳۹۲. تهران.
- بهارلو سامانی، س (۱۳۹۲). اهمیت آموزش های فنی و حرفه ای در ایجاد اشتغال پایدار و تأثیر و کاربرد آن در صنایع سنگ و کارخانجات سنگبری منطقه صنعتی اسفیداوجان اصفهان. نخستین همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال، سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور. خرداد ۱۳۹۲. تهران.
- پریزن، ط و حیدری، س، و (۱۳۹۲). بررسی میزان کارآمدی دوره های ارتقای مهارت نانوایان در کرمانشاه. نخستین همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال، سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور، خرداد ۱۳۹۲، تهران.
- حق شناس، ج و کازرونی، ع (۱۳۹۲). بررسی و ارزیابی نقش آموزش های فنی و حرفه ای در توسعه و تثبیت اشتغال زنان در شهرستان خرم بید. نخستین همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال، سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور، خرداد ۱۳۹۲، تهران.
- حسینی، پ؛ خورشیدی، ج؛ کریم معتمد، م و مرادی، ب (۱۳۹۲). تأثیر کارگاه های آموزشی در روستاها بر توسعه اشتغال زنان روستایی: نمونه موردی شهرستان رشت. نخستین همایش بین المللی مهارت آموزی و اشتغال، سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور، خرداد ۱۳۹۲، تهران.
- دبیرخانه ستاد ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی (۱۳۹۲). قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی مصوبه ۱۳۸۹/۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی.
- ربیعی، م؛ سعیدی، ن؛ کریمزاده، ع و حیدری، س (۱۳۸۵). ارزشیابی عملکرد دوره های آموزش فنی و حرفه ای غیر رسمی از دیدگاه کارآموزان و کارفرمایان استان چهارمحال و بختیاری. اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان چهارمحال و بختیاری.

زارع، م؛ قربان اسماعیلی، م و قربان اسماعیلی، م (۱۳۹۲). بررسی وضعیت اجرای طرح مشاغل خانگی در اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان اصفهان. نخستین همایش بین‌المللی مهارت‌آموزی و اشتغال، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، خرداد ۱۳۹۲، تهران.

سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور (۱۳۹۱). پورتال جامع سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور. وب سایت اینترنتی به آدرس: www.portaltvto.com، دسترسی با نام کاربری اختصاصی در تاریخ: ۹۱/۱۲/۸.

شریف‌زاده، ح و یوسفی، ح (۱۳۹۲). بررسی میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (فناوری اطلاعات IT) در اشتغال زنان استان مازندران. نخستین همایش بین‌المللی مهارت‌آموزی و اشتغال، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، خرداد ۱۳۹۲، تهران.

علوی نیا، م؛ خسروی پور، ب و علوی نیا، م (۱۳۹۲). ارزیابی تأثیر دوره‌های کوتاه‌مدت فنی و حرفه‌ای بر توسعه اشتغال‌زایی زنان: مطالعه موردی مرکز فنی و حرفه‌ای شهرستان کرمانشاه واحد خواهران. نخستین همایش بین‌المللی مهارت‌آموزی و اشتغال، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، خرداد ۱۳۹۲، تهران.

قربانی واقعی، آ؛ صفرپور بهدانی، ز (۱۳۹۲). بررسی نگرش مهارت‌آموختگان زن حرفه‌های کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی: مطالعه موردی مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خواهران رشت. نخستین همایش بین‌المللی مهارت‌آموزی و اشتغال، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، خرداد ۱۳۹۲، تهران.

نصری، ر؛ رستم‌نیا، الف؛ جمشیدی، ف و غیابی، س (۱۳۹۲). تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندسازی مهارتی زنان: مطالعه موردی کارآموزان مرکز شماره ۷ خواهران ایلام. نخستین همایش بین‌المللی مهارت‌آموزی و اشتغال، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، خرداد ۱۳۹۲، تهران.

Barwa, S. D (2003). Impact of Start Your Business (SYB) training on women entrepreneurs in Vietnam. *ILO Vietnam Working Paper Series, 1*.

Bloom, M. R., & Lafleur, B (1999). Turning Skills into Profit: Economic Benefits of Workplace Education Programs: Detailed Findings. Conference Board.

- Canadian Executive Service Organization(CESO) (2012). «Women's Economic Empowerment, A CESO Perspective», CESO.
- Collet, K., Gale, C., & Walker, S. (2009). Training for rural development: Agricultural and enterprise skills for women smallholders. *City and Guilds Centre for Skills Development, Londres. Édition provisoire en ligne disponible à l'adresse: http://www.skillsdevelopment.org/pdf/Lit_Review.pdf.*
- Golla, A. M., Malhotra, A., Nanda, P., & Mehra, R. (2011). Understanding and measuring women's economic empowerment. *Definition, Framework and Indicators. Washington, DC: International Center for Research on Women (ICRW).*
- Hartl, M. (2009). Technical and vocational education and training (TVET) and skills development for poverty reduction—do rural women benefit. *Gender rural employment-Pathways out of Poverty.*
- Khare, A. NON-FORMAL VOCATIONAL TRAINING PROGRAMMES IN NER.
- Walker, E., Wang, C., & Redmond, J. (2008). Women and work-life balance: is home-based business ownership the solution?. *Equal Opportunities International*, 27(3), 258-275.

Archive